

**Exploring the Communal and shared Aspects of Hajj and Modern Islamic Civilization
in the Thought of Ayatollah Khamenei**

Received: 05/06/2022

Accepted: 16/09/2022

Seyyed Reza Mahdinejad*

(177-202)

Hajj, as a comprehensive religious rite with unique characteristics, had a high capacity to play a role in Islamic civilization and has it now. Hajj has a special place in the intellectual system of the Supreme Leader. He considers Hajj to be "an example of a superior Islamic society and a new Islamic civilization." This particular analogy raises the question about the relationship between these two phenomena. In other words, what are the characteristics and components of Hajj that give it such a capacity? Exploring the thought of Ayatollah Khamenei and using a descriptive-analytical method, the article attempts to answer those question. The findings of this study indicate that among the innumerable features of Hajj, the three basic characteristics of comprehensiveness, shaping cohesion and otherness play a very important role in making civilization. The most important common feature of Hajj and modern Islamic civilization is the comprehensiveness and symmetry of the material and spiritual dimensions of the two. The manifestation of spirituality in its highest form, along with the material dimensions and benefits of Hajj, has made it an example of an ideal Islamic society. In addition to this feature and many other features, the cohesiveness of Hajj, which is present in all components of Hajj, and the otherness, which is especially manifested in hating enemies of Islam (Barat), have given Hajj a high capacity of civilization. Keywords: Ayatollah Khamenei, Hajj, Modern Islamic Civilization, Comprehensiveness, Cohesiveness, Otherness

* Assistant Professor of History and Islamic Civilization, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom, Iran-
sr_mahdinejad@yahoo.com.

واکاوی وجوه ارتباط و اشتراک حج و تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دامپله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

سیدرضا مهدی‌نژاد*

(۱۷۷-۲۰۲)

چکیده

حج به‌عنوان آیین دینی جامع و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد، ظرفیت بالایی برای ایفای نقش در تمدن اسلامی داشته و دارد. در منظومه فکری مقام معظم رهبری حج دارای جایگاه ویژه‌ای است؛ به گونه‌ای که ایشان حج را «نمونه جامعه اسلامی برتر و تمدن نوین اسلامی» می‌دانند. این تشبیه و تمثیل خاص، این پرسش را مطرح می‌کند که چه نسبتی بین این دو وجود دارد. به بیان دیگر، چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی در حج وجود دارد که چنین ظرفیت و قابلیت را بدان می‌بخشد؟ در نوشتار حاضر تلاش شده است با کاوش در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی، به پرسش فوق پاسخ داده شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در میان ویژگی‌های متعدد حج، سه ویژگی اساسی جامعیت، انسجام‌بخشی و غیریت‌سازی نقش بسیار مهمی در تمدن‌سازی دارند. مهم‌ترین ویژگی مشترک حج و تمدن نوین اسلامی، جامعیت و تقارن ابعاد مادی و معنوی این دو است. تجلی معنویت در عالی‌ترین شکل آن، در کنار ابعاد و منافع مادی حج، آن را به نمونه‌ای از جامعه آرمانی اسلامی تبدیل کرده است. در کنار این ویژگی، انسجام‌بخشی حج که در تمام اجزای حج جریان دارد و غیریت‌سازی که به‌طور خاص در برائت متجلی می‌شود، به علاوه ویژگی‌های متعدد دیگر، ظرفیت تمدنی بالایی به حج بخشیده است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، حج، تمدن نوین اسلامی، جامعیت، انسجام‌بخشی، غیریت‌سازی.

مقدمه

تمدن نوین اسلامی اصطلاحی نوپدید است که در دهه‌های اخیر مطرح شده و یکی از موضوعات کانونی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌شمار می‌رود. اگرچه در خصوص چیستی، ماهیت، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، کمابیش آثاری به نگارش درآمده، همچنان بسیاری از ابعاد و جنبه‌های این موضوع واکاوی نشده است و جای پژوهش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای موضوعات و مسائل بسیاری در زمینه تمدن نوین اسلامی مطرح شده که جای تحقیق و تأمل دارد، اما آنچه موجب نگارش تحقیق حاضر شده، رابطه ویژه‌ای است که ایشان بین حج و تمدن نوین اسلامی برقرار کرده‌اند. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای حج از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد تعبیری که ایشان درباره حج به کار برده‌اند، در دیگر آموزه‌ها و آیین‌های دینی نظیر ندارد. ایشان حج را از ذخیره‌های ابدی خداوند (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۴)، کانون معارف اسلام و بیان‌کننده سیاست کلی اسلام برای اداره زندگی انسان (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۴) و واجبی استثنایی و مراسم عجیب و پُررمزوراز می‌دانند که اگرچه در باب آن بسیار گفته و نوشته شده، بسیار عمیق‌تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده‌ایم (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵). ایشان در بیان دیگری حج را فریضه‌ای استثنایی می‌دانند که «در آن مجموعه‌ای از ارزش‌های اسلامی جمع شده است که در هیچ فریضه دیگری این‌همه خصوصیت از خصوصیات مورد تمجید و تعریض اسلام وجود ندارد» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۲). آیت‌الله خامنه‌ای حج را یکی از قوت‌های آیین مقدس اسلام و مایه اقتدار امت اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۰). یکی از امتیازات اصلی حج از دیدگاه ایشان، جامعیت آن نسبت به سایر آموزه‌های دینی است، که در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت. امتیاز دیگر حج بر سایر واجبات و فرایض اسلامی، جهانی بودن و بین‌المللی بودن آن است (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج

در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۴). مجموعه این تعابیر که هر یک جای بحث بسیار دارد، خود نشانگر جایگاه ممتاز حج در تفکر آیت‌الله خامنه‌ای است.

در این میان نگرش تمدنی ایشان به حج، موضوعی است که در اندیشه و بیانات ایشان در سال‌های اخیر نمود برجسته‌تری یافته است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود با ایجاد پیوندی معنادار میان حج و تمدن نوین اسلامی، «حج را نمونه کوچکی از جامعه اسلامی برتر» و نمونه‌ای از آن چیزی دانستند که در تمدن اسلامی مد نظر دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۴/۱۲). البته مشابه این تعبیر در سخنان حضرت امام^ع نیز دیده می‌شود. ایشان «حج را پیام‌آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی و تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا» می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۲۲۷). جامعه متکامل مورد نظر حضرت امام، بیان و تعبیر دیگری از تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌رود که در اندیشه مقام معظم رهبری مطرح شده است. این نکته خود گواه قرابت بسیار زیاد اندیشه این دو شخصیت به‌شمار می‌رود، اما در این نوشتار تمرکز ما بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.

این تشبیه و تمثیل خاص و تلقی حج به‌عنوان نمونه‌ای از جامعه اسلامی برتر و تمدن اسلامی، این پرسش را مطرح می‌کند که وجوه اشتراک و پیوند میان حج و تمدن نوین اسلامی چیست. به بیان دیگر، چه ویژگی‌ها، عناصر و مؤلفه‌های مشترکی بین این دو وجود دارد که مقایسه این دو و تشبیه و تمثیل حج به تمدن نوین اسلامی را ممکن می‌سازد.

اگرچه در موضوع تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای آثاری به نگارش درآمده،^۱ در خصوص رابطه حج و تمدن نوین اسلامی در اندیشه ایشان تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.

۱. به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: جلال درخشه و دیگران، «آفاق تمدن نوین اسلامی در سپهر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۷، ش ۱، بهار ۱۳۹۶؛ محمدرضا بهمنی، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، نقد و نظر، دوره نوزدهم، ش ۷۴، تابستان ۱۳۹۳؛ محمدباقر فرزانه و دیگران، «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷؛ فرزاد جهان‌بین و مسعود معینی‌پور، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۹، زمستان ۱۳۹۳.

دو رویکرد متفاوت در تعریف تمدن

تاکنون تعاریف متعددی از تمدن ارائه شده که هر یک از منظری متفاوت به این مسئله نگریسته‌اند. در این نوشتار، بنا و مجال پرداختن به این تعاریف نیست، اما از زاویه نگاه و موضوع این نوشتار، تعاریف تمدن را به لحاظ نوع رویکرد، به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. رویکرد مادی

رویکرد مادی تمدن را پدیده‌ای غالباً مادی می‌داند و تصویری عینی از آن را برجسته می‌سازد. از این منظر، تمدن اساساً پدیده‌ای عینی است که در مظاهری مانند هنر و معماری، علوم، فنون و صنایع و سازمان و تشکیلات اداری و سیاسی تجلی می‌یابد. در این رویکرد، پیشرفت‌های مربوط به اقتصاد، صنعت و تکنولوژی معیار اصلی تمدن شمرده می‌شود و مؤلفه‌های غیرمادی و معنوی مانند دین، اخلاق و فرهنگ کم‌رنگ است.

این نوع نگرش را می‌توان در میان برخی تمدن‌پژوهان، به‌ویژه غربی‌ها مشاهده کرد. برای نمونه، مبنای الوین تافلر^۱ در تقسیم‌بندی تمدن‌ها به سه نوع کشاورزی، صنعتی و الکترونیک، رویکردی مادی‌گرایانه است. اگرچه او هر یک از این سه را به نوعی فرهنگ (سنت‌گرایی، مدرنیته و جهانی شدن) نیز پیوند زده، ملاک اصلی تمدن در نگاه وی پیشرفت‌های اقتصادی است (تافلر، ۱۳۷۴: ۱۰۸-۱۰۹). ادوارد تایلور^۲ نیز در دیدگاه‌های متأخرش به سمت تعریف مادی از تمدن گرایش پیدا کرد و تمدن را به دلیل بازگشت به شهرنشینی و توسعه مادی، دارای مفهوم مادی دانست (کوش، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۸ و ۲۷-۲۸). از نگاه افرادی مانند کانت،^۳ کالریج^۴ و آرنولد^۵ نیز تمدن برخلاف فرهنگ که با ارزش‌های «معنوی» پیوند دارد، با ارزش‌های «مادی» قرین است (بارنارد، ۱۳۷۳: ۸۴). اشرینگلر با چنین نگاهی به تمدن، معتقد بود تفوق عنصر

1. Alvin Toffler.

2. Edward Burnett Tylor.

3. Kant.

4. Coleridge.

5. Arnold.

مادی تمدن بر عنصر معنوی فرهنگ، احتضار فرهنگ و متعاقب آن مرگ تمدن را در پی خواهد داشت (اشپنگلر، ۱۳۶۹: ۳۳). ابن خلدون نیز با نگرشی مشابه، حضارت و شهرنشینی را مرحله پایانی عمران و اجتماع دانسته است (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ج ۲: ۷۴۰).

رویکرد حاکم بر دیدگاه گروهی از اندیشمندان درباره تمدن، همین نگرش مادی‌انگارانه است و تمدن را غالباً در صورت و مظاهر مادی متجلی، و از همین رو دین و معنویات را خارج از حوزه تمدن می‌دانند. یکی از دلایل غلبه این رویکرد در دوره معاصر، پیشرفت و سیطره تمدن غربی بر جهان کنونی و درمقابل، انحطاط و عقب‌ماندگی تمدن‌های دینی، مانند تمدن اسلامی است که موجب شده بسیاری از افراد نمونه کامل و الگوی تمدنی خود را تمدن غربی بدانند؛ تمدنی که اساس و بنیان آن بر مادی‌گرایی شکل گرفته و به موازات پیشرفت روزافزون در مادیت، از دین و معنویت دور و دورتر شده است. این رویکرد با مرز کشیدن میان حوزه مادی و غیرمادی و قرار دادن تمدن در حوزه مادی، ارتباط میان دین و معنویات با تمدن را عملاً از هم می‌گسلد. بدیهی است با چنین رویکردی، سخن گفتن از تمدن دینی و رابطه آموزه‌های دینی و تمدن معنایی نخواهد داشت.

۲. رویکرد دوبعدی

در برابر رویکرد پیشین، رویکرد دیگری وجود دارد که وجود هر دو بعد مادی و غیرمادی را در تمدن ضروری می‌داند. از این منظر، بنیان اصلی تمدن بر عناصر غیرمادی به‌ویژه دین، اخلاق و فرهنگ قرار دارد و پیشرفت‌های مادی مظاهر تمدن به‌شمار می‌روند. بسیاری از صاحب‌نظران تمدنی در این رویکرد قرار می‌گیرند و تعریفی دوبعدی از تمدن ارائه می‌کنند. برای نمونه، یوکیچی^۱ این دو رویکرد متمایز را در قالب دو معنای محدود و گسترده از تمدن توصیف کرده است: «تمدن در معنای محدود یعنی افزایش آنچه انسان مصرف می‌کند و تجملاتی که به ضرورت‌های روزانه زندگی اضافه می‌شوند، اما در معنای گسترده آن، پالایش معرفت و پرورش فضیلت است؛ به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتری سوق دهد» (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۱۱۸-۱۲۰).

در میان اندیشمندان مسلمان این رویکرد غلبه دارد. برای نمونه، مالک بن نبی تمدن را «مجموعه عوامل معنوی و مادی دانسته که زمینه را به گونه‌ای برای جامعه فراهم می‌کند که هر عضوی از آن می‌تواند از همه وسایل و بسترهای اجتماعی ضروری برای پیشرفت بهره‌مند شود» (بن نبی، ۲۰۰۲م: ۵۰). علامه محمدتقی جعفری نیز تمدن را تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی جامعه و برای رسیدن به حیات معقول می‌داند (جعفری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۶۲).

در مقابل رویکرد پیشین، این رویکرد زمینه ارتباط تمدن با دین و معنویات را فراهم می‌سازد. البته درباره رابطه دین و تمدن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که از طیف حداکثری تا حداقلی را دربرمی‌گیرد.^۱ دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره تمدن را باید در قالب رویکرد دوبعدی، با اعتقاد به رابطه حداکثری دین و تمدن بررسی و تحلیل کرد.

تعریف تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

اگرچه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تعریف مشخصی از تمدن ارائه نشده، از مجموع دیدگاه‌های تمدنی ایشان می‌توان استنباط کرد که ایشان مفهومی دوبعدی و معنویت‌محور از تمدن اراده کرده‌اند. ایشان مبتنی بر دیدگاه هستی‌شناسانه خویش، تمدن اسلامی را فضایی می‌دانند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد و عزیز، دارای قدرت، اراده، ابتکار و سازندگی جهان طبیعت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۲). چنان‌که در این فراز روشن است، مهم‌ترین ویژگی تمدن و به‌طور خاص تمدن اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، جامعیت و پیشرفت هم‌زمان در دو حوزه مادی و معنوی است. در بیان دیگری تصریح می‌کنند که شاخصه اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

۱. تفصیل این بحث مجال مستقلی می‌طلبد. برای برخی توضیحات بیشتر در این باره، ر.ک. سیدرضا مهدی‌نژاد و محسن الویری، «رابطه اسلام و تمدن در اندیشه امام خمینی (ع)»، نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی، س ۶، ش ۲، پاییز ۱۳۹۷.

بنابراین، می‌توان گفت ایشان تمدن را فضا و بستری می‌دانند که بشر در هر دو ساحت مادی و معنوی پیشرفت کند و به غایات مطلوب الهی خود دست یابد. پیشرفت مادی و معنوی با صبغه الهی وجه متمایز اصلی تمدن مطلوب به‌شمار می‌رود. بر اساس چنین تعریفی از تمدن و تمدن اسلامی، جایگاه آیین دینی جامعی مانند حج نیز در تحقق آن بسیار برجسته خواهد بود.

مفهوم تمدن نوین اسلامی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای موضوعات گوناگون تمدنی مطرح شده است، اما کلیدواژه اصلی و نوآوری ایشان را طرح ایده «تمدن نوین اسلامی» تشکیل می‌دهد. این ایده از یک سوره‌ریشه در تمدن اسلامی پیشین دارد و بسیاری از کدهایی که در این طرح جدید داده شده است، به صدر اسلام و تمدن پیشین اسلامی بازمی‌گردد؛ از سوی دیگر به‌نوعی در تقابل با تمدن جدید غرب به‌عنوان تمدن غیر قرار دارد. چنان‌که از قید نوین در این اصلاح برمی‌آید، این تمدن ناظر به حال و آینده است و به‌نوعی می‌تواند صورت جدیدی از تمدن اسلامی گذشته به‌شمار آید. آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی پیشین را موجب غرور و افتخار مسلمانان و امکان چنین تمدنی را در دوران کنونی امکان‌پذیرتر از گذشته می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۱۱). البته تمدن نوین اسلامی تمدنی با همان ویژگی‌های تمدن پیشین نیست، بلکه دارای ویژگی‌های خاص خود و متناسب با زمان حاضر است: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی و شالوده‌ریزی نموده و به ثمر رساند و آن را در مقابل بشریت قرار دهد» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۸). بدیهی است که اصول و بنیان‌های تمدن گذشته و نوین اسلامی یک‌سان و همگی برگرفته از متن دین اسلام و آموزه‌های آن است، اما فروغ و مظاهر هر تمدنی بر اساس مقتضیات و شرایط زمان شکل می‌گیرد. شرایط و اقتضانات قرون اولیه اسلام با دوره معاصر تفاوت‌های بسیاری دارد. از این‌رو تمدن جدید اسلامی نیز باید بر اساس این شرایط شکل گیرد تا بتواند کارآمدی و پویایی لازم و توان ماندگاری و رقابت با سایر تمدن‌ها را

داشته باشد. ویژگی انطباق تمدنی برگرفته از ویژگی ذاتی دین اسلام و انطباق آن با نیازهای زمان‌ها و مکان‌های گوناگون است. همچنان‌که اصول اسلام ثابت و مظاهر آن متغیر است، اصول تمدن اسلامی نیز ثابت و مظاهر آن بر اساس شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر است. براین اساس، حتی با فرض استمرار تمدن اسلامی نیز، نوشدگی مستمر از لوازم اجتناب‌ناپذیر آن است. در غیر این صورت، تداوم آن نیز با مشکل مواجه خواهد شد. بنا بر آنچه گفته شد، قید نوین در تمدن نوین اسلامی موضوعیت دارد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تمدن نوین اسلامی به مثابه چشم‌انداز آینده جهان اسلام

برخی صاحب‌نظران تمدنی با نگرشی فرایندی به مفهوم تمدن معتقدند تمدن فرایند نزدیک شدن به حالتی آرمانی است. فرایند تمدن‌سازی، هم می‌تواند درون‌رونده باشد هم فرارونده. تمدن فرایندی است که یک گروه انسانی از رهگذر آن به حالتی آرمانی نزدیک می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۹۸). از منظر دیگر می‌توان خود تمدن را نیز حالتی آرمانی در نظر گرفت که جوامع گوناگون در پی وصول بدان هستند. به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری با چنین نگرشی به تمدن نوین اسلامی، آن را به‌عنوان آرمان و چشم‌انداز برای آینده جهان اسلام و امت اسلامی مطرح می‌کنند: «امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد. ملت‌های اسلامی ظرفیت‌های عظیمی دارند که اگر از آن استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید. ... ایجاد تمدن عظیم اسلامی هدف نهایی ماست» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از موکب‌داران عراقی در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۷). در این بیان، تمدن نوین اسلامی به‌عنوان هدف نهایی، قله و چشم‌انداز امت اسلامی در نظر گرفته شده است که باید همت خویش را برای دستیابی بدان به کار گیرند. اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که از نظر ایشان، هدف نهایی امت اسلامی نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه تفاوت‌های خود، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد (سخنرانی امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در

تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹). این تعابیر حاکی از جایگاه تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان و چشم انداز کلان در اندیشه آیت الله خامنه‌ای است.

برپایی این تمدن عظیم، وظیفه و رسالت خطیری است که جهان اسلام در دوران کنونی برعهده دارد: «دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مانند خود اسلام و خود پیغمبر ﷺ روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد نموده و راه تازه‌ای باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم تمدن نوین اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). در این بیان، رسالت سنگین امت اسلامی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی در دوره کنونی به اندازه‌ای مهم قلمداد شده که با اقدام بنیان‌گذار اسلام و تمدن اسلامی، یعنی پیامبر گرامی اسلام ﷺ مقایسه شده است. اگر امت اسلامی موفق به تحقق این آرمان اساسی شود، گویا کاری مشابه پیامبر اکرم ﷺ در صدر اسلام انجام داده است. چنان‌که آن حضرت روحی تازه در دنیا دمیدند، جانی تازه بدان بخشیدند و راه جدیدی پیش روی بشر گرفتار در بحران و بن‌بست جاهلیت گشودند، امت اسلامی نیز در دوران کنونی وظیفه دارد روح و جانی تازه در دنیا بدمد و با قرار دادن راه نجاتی برای بشر امروز، آنها را از دام و بحران جاهلیت مدرن برهاند و به تمدن نوین اسلامی رهنمون شود. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشر هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به‌لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غرب‌اند باشد (سخنرانی امام خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹).

این تمدن تنها مختص مسلمانان نیست، بلکه هدیه‌ای برای بشر است:

ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت. این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره بشریت فکر کرده و عمل می‌کنند: این به معنای تصرف سرزمین‌ها، تجاوز به حقوق ملت‌ها و تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست، بلکه به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌هاست، تا ملت‌ها با اختیار، انتخاب و تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه امروز ماست (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

وجه تمایز ایده تمدن نوین اسلامی از ایده‌ها و برنامه‌های قدرت‌های مستکبر و تمدن‌های استعماری که نمونه برجسته آن تمدن غرب به‌شمار می‌رود، این است که برخلاف غرب و قدرت‌های بزرگ و استعمارگر که در پی سیطره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر دنیا هستند، تمدن نوین اسلامی به دنبال چنین اهدافی نیست، بلکه این تمدن هدیه‌ای الهی به بشر و راهی برای نجات آنها از بحران‌های مادی و معنوی است که گرفتار آن شده‌اند. البته انتخاب این راه و پذیرش این هدیه نیز امری ارادی است نه اجباری.

این هدف و چشم‌انداز کلان در راستای وصول به مدینه فاضله‌ای است که دین اسلام به بشر وعده داده که همانا تحقق جامعه آرمانی مهدوی است. آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان آرمان بزرگ انقلاب اسلامی و زمینه‌ساز ظهور و طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) مطرح می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

دو نکته مهم در فراز ذکرشده وجود دارد که حائز اهمیت است: نخست اینکه تمدن نوین اسلامی آرمان اصلی انقلاب اسلامی است و به‌نوعی هدف نهایی آن به‌شمار می‌رود. مقام معظم رهبری در ترسیم مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان مرحله پایانی این مسیر ترسیم کرده‌اند؛ نکته دوم اتصال تمدن نوین اسلامی به جامعه مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت است. درحقیقت تمدن نوین اسلامی راه رسیدن به جامعه آرمانی را پیش روی مسلمانان و بلکه بشر می‌گشاید و مقدمه آن به‌شمار می‌آید. چنین نگرشی در مقابل دیدگاه کسانی است که معتقدند جهان قبل از ظهور، مملو از ظلم و فساد می‌شود یا باید چنین شود و ظهور منجی برای نجات بشر از این وضعیت است. طرح ایده تمدن نوین اسلامی بدین معناست که برای رسیدن به ظهور باید شرایط لازم فراهم شود و اوج تمهید این شرایط و ملزومات در این تمدن محقق می‌شود. تمدن نوین اسلامی مظهر تحقق آموزه‌ها و آرمان‌های اسلامی در جهان پیش از ظهور به‌شمار می‌رود. تعبیر جامعه اسلامی به‌عنوان مرحله پیش از تحقق تمدن اسلامی نیز بدان معناست که نخست باید جامعه اسلامی تمام‌عیار ایجاد شود تا در چنین بستری زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم آید.

وجوه ارتباط و اشتراک حج و تمدن نوین اسلامی

حج به عنوان یکی از مهم‌ترین آموزه‌ها و آیین‌های دینی اسلام دارای ویژگی‌هایی است که نظیر آن در آیین‌های عبادی دیگر مشاهده نمی‌شود. این ویژگی‌ها موجب می‌شود حج ظرفیت بسیار گسترده و عظیمی برای تأثیرگذاری و ایفای نقش در تمدن‌سازی داشته باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در میان ویژگی‌های متعدد حج، بر سه بُعد اساسی معنویت، وحدت‌بخشی و برائت تأکید می‌کنند و معتقدند اگر این سه ویژگی متجسد و مجسم شود، حج فایده خود را خواهد بخشید (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶). در این نوشتار نیز با تکیه بر این سه محور تلاش خواهد شد رابطه حج و تمدن نوین اسلامی واکاوی شود.

۱. جامعیت و تقارن معنویت و مادیت؛ مهم‌ترین ویژگی مشترک حج و تمدن نوین اسلامی در میان ویژگی‌های متعدد حج، مهم‌ترین ویژگی آن، جامعیت و گستردگی ابعاد حج نسبت به دیگر آیین‌های عبادی و آموزه‌های دینی اسلام است. این جامعیت را می‌توان از جهات گوناگون به‌ویژه تنوع ابعاد مادی و معنوی و فردی و اجتماعی آن مشاهده کرد. این ویژگی به‌ویژه در مقام تناظر با ماهیت تمدن و گستردگی ابعاد آن اهمیت بسیاری می‌یابد و شایسته‌امعان نظر بیشتری است.

با تأمل در اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین ویژگی تمدن نوین اسلامی را می‌توان جامعیت و تقارن معنویت و مادیت در آن دانست. این تمدن مانند تمدن جدید غرب، یک‌سویه نیست که تنها به بعد مادی توجه و بر آن تمرکز کند و از بُعد دیگر غافل شود و یا آن را رها سازد، بلکه تمدنی است که هم‌زمان و به‌صورت متوازن و متعادل، هر دو ساحت مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است و پیشرفت در هر دو بُعد را وجهه همت خویش قرار می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای شاخصه اصلی و عمومی تمدن نوین اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. وجود مؤلفه‌هایی همچون ایمان، علم،

اخلاق، مجاهدت، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت و ثروت در تمدن نوین اسلامی (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۰) نشانگر تقارن ویژگی‌های مادی و معنوی در این تمدن است. این تقارن و هم‌نشینی مادیت و معنویت، همان چیزی است که نقطه اشتراک و اتصال حج و تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌رود.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره تشابه حج و تمدن نوین اسلامی بر یک نکته اساسی، یعنی تقارن و هم‌نشینی معنویت و مادیت انگشت نهاده‌اند: «در تمدن نوین اسلامی معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی است و حج مظهر یک چنین تمدنی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۴/۱۲).

الف) معنویت‌محوری حج و تمدن نوین اسلامی

دوبعدی بودن تمدن نوین اسلامی بدان معنا نیست که اولییتی بین این دو وجود ندارد، بلکه معنویت در این تمدن حاکمیت و محوریت دارد. به بیان دیگر، معنویت در ابعاد و مؤلفه‌های مادی تمدن نوین اسلامی حضور و نفوذ دارد و تمام مؤلفه‌های مادی این تمدن نیز باید متأثر از روح معنویت اسلامی باشد. در تمدن نوین اسلامی پیشرفت مادی وجود دارد، اما پیشرفتی که معنویت‌محور است و اهداف غایی متعالی معنوی را دنبال می‌کند، نه صرفاً ایجاد رفاه و مصرف‌گرایی و لذت‌گرایی بی‌حدوحصر مادی.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای ویژگی ممتاز تمدن نوین اسلامی، معنویت‌محوری آن است: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی بر پا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۹). نکته مهم در این بیان جایگاه محوری و نقش هدایتگری معنویت در این تمدن است که حکایت از این دارد که تنها حضور معنویت در تمدن نوین اسلامی مُراد نیست، بلکه بسیار فراتر از آن، یعنی حاکمیت معنویت و نقش راهبری آن در تمدن جدید مورد نظر است. به بیان دیگر، معنوی بودن تمدن نوین اسلامی زمانی محقق می‌شود که معنویت محور اساسی این تمدن قرار گیرد و همه

امور و مؤلفه‌های دیگر تمدن مانند علم، سیاست، اقتصاد و فرهنگ تابع آن قرار باشند و معنویت در روح و جان آنها نفوذ و رسوخ کند. تنها در این صورت است که تمدنی سرشار از معنویت شکل می‌گیرد. اگر معنویت مانند عنصری مجزا در کنار مؤلفه‌های دیگر و به موازات آنها در تمدن حضور داشته باشد، اثرگذاری آن بیشتر محدود به حوزه فردی می‌شود و در حوزه اجتماعی تأثیر اندکی خواهد داشت؛ درحالی‌که اساساً تمدن پدیده اجتماعی است و زمانی عاملی اثرگذاری تمدنی خواهد داشت که از حوزه فردی بگذرد و به حوزه اجتماعی تسری یابد. براین اساس تا زمانی که علم، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و به طور کلی جامعه معنویت محور نشود، تمدن معنوی نیز شکل نخواهد گرفت.

این ویژگی به وضوح تمایز تمدن نوین اسلامی از تمدن کنونی غرب را نیز نشان می‌دهد که اساس و بنیان آن بر مادیت شکل گرفته و به تعبیر بسیاری از صاحب نظران، حتی برخی اندیشمندان غربی، تمدن مادی تمام‌عیار است که مادیت بر آن سیطره، و راهبری و هدایتگری آن را برعهده دارد. به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری نیز دقیقاً در مقابل تمدن غربی، این ویژگی را به عنوان شاخصه اصلی تمدن نوین اسلامی و وجه اصلی تمایز آن از تمدن غرب مطرح می‌کنند. ایشان تصریح می‌کنند که تمدن و مدنیت اسلامی که ما انتظار آن را داریم، مدنیتی است که بتواند بر مدنیت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه یابد (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: در گذشته غربی‌ها با استفاده از دانش مسلمانان تمدنی برای خود بنا و بر بشر حاکم کردند، اما این تمدن، تمدنی مادی بود. به همین دلیل به سمت استعمار و استثمار سوق پیدا کرد و با غارت ثروت دیگر ملت‌ها روزبه‌روز فربه‌تر شد و بر بشر سیطره پیدا کرد. تمدنی که غربی‌ها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت، سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت، اما خوشبختی انسان‌ها را تأمین و عدالت را برقرار نکرد، بلکه به عکس، بر فرق عدالت کوبید و ملت‌ها را اسیر، فقیر و تحقیر کرد. در درون خود هم دچار تضادهایی شد: از لحاظ اخلاقی فاسد و از لحاظ معنوی پوک و پوچ شد؛ به گونه‌ای که امروز خود غربی‌ها نیز به این موضوع اعتراف دارند. این تمدن ظاهری پُرزرق و برق، اما باطنی خطرناک برای بشر داشت. امروز تضادهای تمدن غربی در

مناطق مختلف و به اشکال گوناگون خود را نشان می‌دهد. ایشان پس از بیان آسیب‌های تمدن غربی، تأکید می‌کنند که امروز نوبت ما و نوبت اسلام است:

«وَتِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰). امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش و تجربه مسلمین استفاده کردند، ما نیز امروز از دانش جهان و ابزارهای موجود جهانی برای برپایی تمدن اسلامی استفاده می‌کنیم، اما با روح اسلامی و روح معنویت (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

چنان‌که در این فراز تصریح شده، وجه تمایز اصلی تمدن نوین اسلامی از تمدن جدید غرب، روح دینی و معنوی آن است؛ متاعی که در تمدن غربی یافت نمی‌شود یا بسیار کمیاب است.

از سوی دیگر، حج مظهر معنویت (۱۳۷۸/۱۱/۲۶) و سرچشمه جوشان معنویت است که فیضان خود را به صورت مداوم بر جهان اسلام و مسلمانان جاری می‌سازد تا هرکس و هر مجموعه به اندازه ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره‌گیرد (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۴). در خلال این واجب، از اول تا آخر، روحی وجود دارد که عبارت است از توجه و اخلاص به ذات مقدس احدیت و اظهار عبودیت در مقابل پروردگار. وقتی انسان‌ها به مرکز اقامه فریضه الهی حج جذب می‌شوند، از محدوده زندگی مادی خارج و به فضایی کاملاً معنوی وارد می‌شوند. در این فضای معنوی، انسان به‌طور حقیقی خود را شست‌وشو می‌دهد و برمی‌گردد. جنبه معنوی حج به اندازه‌ای قوی است که یک بار رفتن در آن مخزن و چشمه جوشان معنویت برای شست‌وشو و پاکیزه شدن کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر است و بیشتر شست‌وشو خواهد شد، اما حداقل لازم، همان یک بار است. حج با «لیبک»، یعنی پاسخ‌گویی و اجابت دعوت الهی، شروع می‌شود. تمام مناسک و کارهای حج از قبیل حالت احرام، لباس و محرّمات احرام، طواف، سعی، نماز و وقوفین، هریک به‌نحوی گوشه‌ای از وجود ما را به معنویت و خدای متعال جذب می‌کند. این مجموعه مرگب در واقع چشمه زلالی است که باید خود را در آن شست‌وشو دهیم (۱۳۷۴/۱/۱۶).

ب) ساحت اجتماعی حج و نقش آن در تمدن سازی

یکی دیگر از ابعاد جامعیت حج، جنبه فردی و اجتماعی آن است که به نوعی رویه دیگری از مادیت و معنویت به شمار می‌رود. اگرچه بسیاری از آموزه‌ها، واجبات و مناسک دینی در اسلام دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است، حج در این میان ممتاز است و به ویژه بعد اجتماعی آن برجستگی خاصی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای حج را فریضه‌ای ممتاز در بین همه فرایض اسلامی می‌داند که هم جنبه الهی، معنوی و فردی و هم جنبه اجتماعی آن از بقیه واجبات ممتاز است. از جنبه الهی و فردی، حج واجب طولانی، مستمر، مرکب و متشکل از انواع و اقسام عبادات، و از جنبه اجتماعی نیز حج عالمی غریب و محشر است. دنیا و آخرت در قضیه حج گنجانده شده و این ظرف بسیار وسیع، پر استعداد و پرفریتی است که می‌توان از آن استفاده کرد. کنار هم قرار دادن این دو ویژگی، مسئله را خیلی پُر معنا می‌کند. به اعتقاد ایشان، اگر از جنبه اجتماعی حج درست استفاده شود، یک مراسم حج در یک سال کافی است که دنیای اسلام را متحول و کار یک امت را اصلاح کند (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۷۶).

در این فراز بر دو ساحت فردی و معنوی و دنیوی و اجتماعی حج و تجمیع دنیا و آخرت در آن و معنادار بودن این مسئله تأکید شده است که در واقع تجلی‌ای از ابعاد مادی و معنوی تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ اما در این میان ساحتی که از حیث تمدنی حائز اهمیت است و در بخش پایانی بیان فوق با عبارت «عالم غریب و محشر» مورد تأکید ویژه قرار گرفته، جنبه اجتماعی حج است که اگر آن چنان که باید از آن بهره‌برداری شود، می‌تواند در اصلاح امور امت اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی نقش اساسی ایفا کند.

ایشان در بیانی مشابه، فریضه حج را از فرایض نادری می‌داند که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی به شکل باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانده شده و درست گزاردن آن می‌تواند او را به توفیقات بزرگ مادی و معنوی نایل سازد. این هم‌نشینی به انحصار گوناگون و در مناسک مختلف حج عجین شده است:

در این فریضه بزرگ، سیر آفاق با سیر انفس، ذکر و خشوع و انابه و استغفار با سعی و

حرکت و وقوف و برائت، اتحاد و رفق و تراحم مؤمنان با هشداد و بیزاری و پرهیز از کافران، از سراب خود روبرتافتن با در اقیانوس جمع فرورفتن، درد خود را با طبیب القلوب گفتن با طبیبانه از درد مسلمین جهان پرسیدن و خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، هم‌سنگ و هم‌عنان گردیده‌اند (متن حکم انتصاب حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری به نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۶).

در فراز فوق به تنوع ابعاد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی حج و تقارن و توازن این ویژگی‌ها با یکدیگر در مناسک حج اشاره شده است. بدون تردید، چنین جامعیت و تقارنی را در کمتر آموزه دینی می‌توان دید.

طبق نظر بسیاری از مفسران، منافی که در آیه شریف «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج: ۲۸) برای حج ذکر شده، شامل منافع مادی و معنوی است. مفسران به تعبیر گوناگون، به این گستردگی و تنوع منافع اشاره کرده و غالب آن منافع را شامل منافع مادی و معنوی دانسته و در تفسیر آن نیز موارد گوناگونی را بیان کرده‌اند.^۱ در روایات نیز این موضوع تأیید شده است. برای نمونه، امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: منافع در این آیه، منافع دنیا و آخرت را دربرمی‌گیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۷۲).

آیت‌الله خامنه‌ای با اعتقاد به جامعیت منافع مذکور در آیه فوق و شمول آن نسبت به منافع دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، بر جنبه اجتماعی منافع تأکید کرده و معتقدند: «منافع مسلمانان در حج، منافی است که با اجتماع ارتباط پیدا می‌کند و اگر اجتماعی تشکیل شود که در آن ارتباط و همفکری وجود نداشته باشد، درواقع مقصود حاصل نشده است» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۸).

۲. انسجام‌بخشی امت در حج؛ گامی اساسی در بنیاد تمدن نوین اسلامی

برخی صاحب‌نظران معتقدند تمدن برترین شکل برقراری پیوند اجتماعی و نیز گسترده‌ترین

۱. برای نمونه، ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۲۱-۵۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲۴: ۲۰۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۴: ۷۲.

نوع آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۴۴۲). این پیوند از طرق گوناگون و با سازکارهای مختلف صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، تمدن محصول تلاش جمعی و منسجم گروهی از انسان‌هاست. از این رو بنای تمدن بدون انسجام و هم‌بستگی بین عوامل انسانی آن امکان‌ناپذیر است. لازمه تحقق تمدن نوین اسلامی در گستره جهانی نیز در گام نخست، ایجاد پیوند و اتحاد بین عوامل سازنده آن، یعنی مسلمانان است. تحقق چنین پیوستگی و هم‌بستگی فراگیری، نیازمند بسترها و سازکارهای خاص خود است و از طرق گوناگون می‌تواند جامعه عمل پوشد. حج یکی از مهم‌ترین و بی‌نظیرترین بسترها برای ایجاد ارتباط و هم‌بستگی اجتماعی میان امت اسلامی است. این پیوند می‌تواند جامعه بزرگ و متحد اسلامی در قالب امت اسلامی به وجود آورد که زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. حج فرصتی کم‌نظیر برای رفع اختلافات و برداشتهای و ذهنیت‌های نادرست و ایجاد تفاهم و شناخت بیشتر بین مسلمانان و تکیه بر اصول و محورهای مشترک است. هم‌بستگی جامعه بزرگ اسلامی یکی از اهداف اجتماعی اسلام است که در مراسم حج به صورت عینی آموخته می‌شود؛ گویی همگی با لباس واحد، عمل واحد، گفتار واحد و هدف واحد، اتحاد و یک‌دستی را تمرین و تجربه می‌کنند. حج با تکیه بر عناصر مشترک هویتی مسلمانان همانند خدای واحد، قبله مشترک، پیامبر واحد و کتاب مشترک و تمرین عملی زیست اجتماعی مشترک در یک بازه زمانی مشخص، همراه با انجام اعمال و مناسک یک‌سان، بستری برای وحدت هرچه بیشتر جامعه اسلامی و کم‌رنگ کردن و زدودن اختلافات مذهبی، فرهنگی و سیاسی فراهم می‌سازد و این وحدت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تمدن اسلامی شود. در واقع تقویت هویت دینی مسلمانان در قالب امت اسلامی می‌تواند به ایجاد هویت تمدنی مشترک بینجامد و در گام بعد جامعه تحقق بر تن تمدن نوین اسلامی پوشاند.

مقام معظم رهبری بر این بُعد اساسی حج بسیار تأکید می‌کنند و حج را گامی اساسی به سوی امت واحد اسلامی برمی‌شمارند (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶). از نظر ایشان «حج باید مظهر اتحاد، تفاهم، گفت‌وگو، همدلی و همکاری و نزدیک شدن مسلمانان با یکدیگر باشد» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۷).

ایشان یکی از بزرگ‌ترین اهداف و واضح‌ترین منافع حج را احساس اجتماع، اتحاد و یگانگی می‌دانند و معتقدند فرصت ایجاد وحدت بین ملت‌ها و اقوام و فرق اسلامی، فقط در حج فراهم می‌شود (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵). بخش اخیر این فراز بسیار حائز اهمیت است. قید انحصاری «فقط» نشانگر جایگاه و نقش ویژه حج در این جهت و دال بر این است که هیچ فرصتی بهتر از حج برای وحدت مسلمانان وجود ندارد و اگر این وحدت در حج محقق نشود، در هیچ جای دیگر این امر رخ نخواهد داد.

الف) نقش حج در تقویت روحیه تمدنی مسلمانان

برخی معتقدند تمدن به وجه عام، فرایندی ذهنی است که در گروهی انسانی جریان دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸: ۱۱۹). این سخن بدان معنا نیست که این ذهنیت از پشتوانه عینیت برخوردار نیست، بلکه می‌توان گفت از یک جهت ذهنیت، جایگاه پیشینی بر عینیت دارد و پیش از آنکه تمدنی پدید آید، باید توانمندی ایجاد آن در ذهن عاملان آن به وجود آید. از منظر دیگر، این فرایند ذهنی می‌تواند پسینی و ناظر به آنچه در مقام عینیت خارجی تحقق یافته است باشد. اتحاد و هم‌بستگی اجتماعی در دو سطح ذهنی و نظری و عینی و عملی و در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل تحقق است. بنا بر آنچه گفته شد، نقش انسجام‌بخشی اجتماع بی‌نظیر حج را در وهله نخست می‌توان در مقام ذهنیت و ایجاد احساس اتحاد و پیوستگی میان امت اسلامی، سپس در مرحله عینیت و تحقق خارجی وحدت دانست.

آیت‌الله خامنه‌ای نخستین اثر نمایان اجتماع حج را تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمانان به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک از آنان از احساس عظمت می‌دانند. با احساس این عظمت و حقیقت است که مسلمان خود را تنها حس نمی‌کند و مسلمانان در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با دشمنان اسلام، یعنی سلطه سیاسی و اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر که اولین سلاح استعمارگران

غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست در آنان جای نمی‌گیرد (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶).

بنابراین اجتماع حج از نظر ذهنی و روانی حداقل دارای دو تأثیر عمده است: نخست اینکه این اجتماع عظیم، احساس تنهایی و ناتوانی را در میان مسلمانان از بین می‌برد و تبدیل به احساس جماعت، قدرت و عظمت می‌کند و به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد. آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگری نیز با تأکید بر این نکته، ثمره روانی این اجتماع را تقویت روحیه اعتماد به نفس در درون و تضعیف روحیه دشمن در بیرون بر می‌شمارند:

حج به آحاد امت اسلامی عزت، اقتدار و امید می‌بخشد. اولین تأثیر حج، در درون امت اسلامی و تقویت روحیه اعتماد به نفس و احساس عظمت خویش است. از یک سو تأثیر داخلی و از سوی دیگر تأثیر بین‌المللی آن است که دشمن را تضعیف نموده، روحیه او را در هم می‌شکند و عظمت اسلام و وحدت امت اسلامی را در مقابل آن آشکار می‌سازد (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۷).

اگر این هدف عالی حج، یعنی وحدت محقق شود، آرمان تشکیل امت واحد اسلامی نیز محقق خواهد شد:

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود باید این روح وحدت، جماعت و عظمت را در مسلمانان عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته‌ی خدای بزرگ را که «انّ هذه امّتکم أمة واحدة و انا ربکم فاعبدون» فراهم آورد (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶).

ب) حج و تبدیل عوامل معارض به عوامل تقویت هویت امت اسلامی

یکی دیگر از آثار اجتماعی و سیاسی حج از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای این است که «با احساس این وحدت و جماعت، نیرنگ استعماری دیروز و امروز یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی، این فاصله وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت

واحدۀ اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعۀ وجودی آن می‌گردد و به جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد (پیام امام خامنه‌ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶). از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، حج فرصتی برای برداشتن دیوارها و حجاب‌ها و پُر کردن دره‌ها و شکاف‌هایی است که یا به دست دشمن یا به وسیله تعصبات و اوهام به وجود آمده است (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶). اگر وحدت مسلمانان در حج محقق نشود، در واقع یکی از ثمرهای اصلی حج عملی نشده است.

درواقع یکی از ثمرهای عملی و عینی احساس وحدت این است که عواملی مانند قومیت، نژاد و زبان که همواره از عوامل تهدید و اختلاف بین مسلمانان بوده است و به‌ویژه دشمنان اسلام به‌عنوان اهرم ایجاد شکاف و تفرقه از آن بهره‌برداری کرده‌اند، در این اجتماع می‌تواند تبدیل به فرصت و منجر به تبادل فرهنگی و تقویت یکدیگر شود و در نتیجه امت اسلامی را نه تنها تضعیف نکند، بلکه بسیار قوی‌تر سازد. آیت‌الله خامنه‌ای با تفتن به این موضوع معتقدند: «امت اسلامی با تکثر قومیت‌ها و نژادها، فرهنگ‌ها و عادات‌ها و سلیقه‌ها، به‌طور طبیعی در معرض شکاف و جدایی قرار دارد، اما حج فرصت بزرگی برای امت اسلامی است که پس از جدایی‌های طبیعی یا احیاناً جدایی‌های مصنوعی و تحمیلی، بار دیگر وحدت خود را تأمین کند» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶). به اعتقاد ایشان، اگر ندای اتحاد اسلامی در این اجتماع عظیم حاکم باشد، همه این اختلافات کم‌رنگ می‌شود و دست مهربان حج آنها را جمع و به هم نزدیک و در هم فشرده می‌کند (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵).

پ) هم‌گرایی و تبادلات فرهنگی در حج

گام نخست عبور از مرحله تهدید و زدودن نقش منفی عوامل مذکور در ایجاد شکاف بین امت و تضعیف توان تمدن‌سازی آن است. گام دوم تبدیل تهدید به فرصت و عوامل شکاف

و تضعیف به عوامل وحدت و اقتدار است. آیت‌الله خامنه‌ای با چنین نگرشی معتقدند حج فرصتی برای تبادل فرهنگی و تجربیات اسلامی میان ملل مسلمان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۰). به اعتقاد ایشان، «حضور مسلمانان در حج باید یک حضور معنادار باشد و اگر فقط جنبه معنوی و ذکر خدا منظور بود، این امر در خانه خود انسان هم ممکن بود و دیگر "یاتوک رجالا و علی کلّ ضامر یأتین من کلّ فج عمیق" و ایام معلومات لازم نبود. نکته مهم، جنبه اجتماعی حج است و اینکه خداوند متعال این واجب را به گونه‌ای قرار داده است که مسلمانان در تعامل و ارتباط رودرو با یکدیگر قرار گیرند. حج ملت‌ها، رسوم، زبان‌های مختلف و افراد ناآشنا را در یک نقطه جمع می‌کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می‌بخشد» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های حج و تجمع مسلمانان از نقاط مختلف جهان در زمان و مکان واحد، ایجاد اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی است: «این اجتماع عظیم و مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه مسلمانان از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه واحد و جمع شدن همه امت اسلامی با وجود اختلاف لهجه‌ها، نژادها، عادات، سنن و سلاقی و اختلاف مذاهب در یک نقطه و انجام اعمال ویژه به صورت مشترک خیلی پرمعناست» (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶). این جمع شدن برای احساس اتحاد و یگانگی و به وجود آوردن این احساس در خود و طرف مقابل است (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۳۰).

این بُعد مهم از حج توجه برخی خاورشناسان را نیز به خود جلب کرده است. برای نمونه، گوستاو لوبون فرانسوی حج را یکی از ارکان مهم اسلام دانسته که دارای نتایج سیاسی فراوانی است. وی جمع شدن مسلمانان در کنار یکدیگر و باخبر شدن از احوال یکدیگر، تبادل فکری و تحقیق در امور مذهبی را از نتایج و فواید حج می‌داند و می‌گوید ذکر این نکته لازم نیست که اجتماع تمام مسلمانان در یک زمان و مکان از نظر سیاسی چه اندازه دارای اهمیت و نتایج مهم است (لوبون، ۱۳۷۸: ۵۲۶-۵۲۷).

۳. تعیین هویت و غیریت تمدنی در حج

تعیین هویت امری دوسویه است: تعریف دقیق خود و تعیین غیر و تفاوت دقیق خود با آن. این نکته در بحث تمدنی نیز صادق است و بخشی از هویت تمدنی، معلول تعیین غیریت تمدنی است. چنان‌که پیش از این اشاره شد، بحث هویت و غیریت تمدنی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بسیار برجسته است و ایشان تمدن غرب را به‌عنوان تمدن غیر مطرح و در بحث از تعریف و تعیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی، بر تمایزات آن از تمدن غرب تأکید می‌کنند. یکی از ویژگی‌های حج که از جهتی عامل وحدت مسلمانان نیز به‌شمار می‌رود و به‌نوعی تعیین‌کننده مرز میان جامعه اسلامی و غیراسلامی یا به تعبیر دقیق‌تر ضداسلامی است، موضوع برائت از دشمن مشترک یعنی شرک و مشرکان و مبارزه با آن است. تمدن اسلامی در ذات خود با تمدنی که مبتنی بر شرک است ناسازگار است. نمی‌توان از تمدن اسلامی به مفهوم حقیقی آن سخن گفت، اما به تمایز میان آن و تمدنی که در اساس و بنیان آن با دین و معنویت به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص در تقابل و تناقض است اعتقادی نداشت. تفسیر تمدنی برائت از مشرکان یعنی تمایز گذاردن میان تمدن اسلامی با تمدن غیر و اعلام برائت از آن.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای برائت جایگاه بسیار ویژه و برجسته‌ای دارد. به باور ایشان، برائت جزء ارکان، روح و معنای واقعی، هدف و جهت حج است (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۳۱). در این بیان کوتاه و بسیار پرمعنا، چند ویژگی برجسته برای برائت برشمرده شده است: نخست اینکه برائت از ارکان حج است. معنای رکن این است که با نبود آن حج ناقص می‌شود و حج کامل و حقیقی محقق نشده است؛ دوم اینکه برائت روح حج است. همان نقشی که روح در بدن آدمی دارد، برائت در حج ایفا می‌کند و حجبی که برائت نداشته باشد مانند بدن بی‌روح است؛ سوم اینکه برائت معنای واقعی حج است. این بدان معناست که اگر برائت را از حج بگیریم، حج معنای واقعی خود را از دست خواهد داد؛ چراکه حج عملی دوسویه است: یک سوی آن توحید و سوی دیگر آن نفی شرک است و نمی‌توان به توحید معتقد بود، اما از شرک و مظاهر آن اعلام

بیزاری نکرد؛ چهارم آنکه برائت هدف و جهت حج است. هدف و جهت، نشانگر مسیر حرکت است و اگر برائت وجود نداشته باشد، با خلط میان توحید و شرک، هدف واقعی نیز به نوعی گم می شود و سالک حج در بیراهه گمراهی قرار می گیرد.

آیت الله خامنه ای معتقدند:

حج مظهر توحید و کعبه خانه توحید است. اینکه در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکر الله سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیر خدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط محور و مرکز هر حرکتی، خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «الله» و طرد و نفی و برائت از «أنداد الله» است. حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرمش ﷺ، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است (پیام امام خامنه ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶).

ایشان در این بیان نیز لازمه اعتقاد به توحید را نفی شرک و مظاهر آن دانسته اند. مراد از شرک صرفاً مفهوم خاص و مضیق آن به معنای بت پرستی و مانند آن نیست، بلکه شرک در معنای گسترده و اشکال متعدد و متنوع آن مصداق برائت است:

حج مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم ﷺ است که گفت: «انّی بریء من المشرکین»؛ صحنه اتحاد عظیم امت اسلامی بر گرد محور توحید و برائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت هاست و بت هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب و چه قدرت های شیطانی سلطه گر و جبار و چه عصبیت های جاهلی و ناحق که «فما ذا بعد الحقّ إلا الضلال» (پیام امام خامنه ای به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۴).

بخش اخیر این نشانگر توسعه مفهومی شرک از معنای محدود به معنای گسترده و اشکال و صورت های جدید آن است. شرک در زمانی آشکار بود و در صورت بت پرستی

خود را نشان می‌داد، اما در دنیای امروز شرک صورت‌های متعدد و پیچیده‌ای یافته است و در ابعاد مختلف دینی، سیاسی، اجتماعی و... و گاه با ظاهری زیبا خود را نمایان می‌سازد. سخن آخر اینکه «حج ابراهیمی و محمدی و حج علوی و حسینی آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران همراه باشد» (همان). مفهوم این سخن این است که حج بدون برائت، حج حقیقی نیست و مورد تأیید پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین ویژگی مشترک حج و تمدن نوین اسلامی جامعیت و تقارن وجودی ابعاد مادی و معنوی و فردی و اجتماعی است. از یک سو این جامعیت ویژگی متمایز تمدن اسلامی از تمدن‌های دیگر، به‌ویژه تمدن جدید غرب به‌شمار می‌رود؛ از سوی دیگر، در حج نیز این جامعیت و تقارن را به شکلی بسیار برجسته مشاهده می‌کنیم. اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که همچنان‌که در حج روح معنویت بر تمام جنبه‌های دیگر آن حاکم است و تمام رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان در فضایی آکنده از معنویت صورت می‌پذیرد، در تمدن نوین اسلامی نیز پیشرفت‌های مادی با تأثیرپذیری از روح معنویت محقق می‌شود و چنین نیست که پیشرفت‌های مادی و معنوی در دو خط متوازی پیش روند که هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند، بلکه این دو بُعد به‌شدت در هم تنیده‌اند. به علاوه وجود ساحات فردی و اجتماعی در حج که رویه دیگری از جامعیت و شمولیت ابعاد مادی و معنوی آن است، به‌ویژه جنبه اجتماعی حج می‌تواند نقش بسیار مهمی در تمدن نوین اسلامی داشته باشد.

علاوه بر این، حج با ایجاد وحدت و انسجام میان مسلمانان و تقویت روحیه و هویت تمدنی آنان و تشکیل امت واحد اسلامی، زمینه‌ساز تشکیل تمدن نوین اسلامی می‌شود. بالاخره اینکه حج با تمایزگذاری تمدنی و تعیین غیرت دینی و تمدنی و اعلام برائت از آن، هویت خود را تعریف می‌کند و بر آن پای می‌فشارد. تمدن غیر و نقطه مقابل تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن غربی است که بنیان آن بر دین‌گریزی و معنویت‌ستیزی استوار شده است، برخلاف تمدن نوین اسلامی که تمدنی دین‌مدار و معنویت‌محور است.

همه آنچه گفته شد به شرط آن است که حج طبق شرایط آن و چنان که باید، صورت پذیرد. آیت الله خامنه‌ای با اذعان به این نکته معتقدند:

حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره‌ای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد. اگر حج با توجه به این هدف‌ها و نتایج برنامه‌ریزی می‌شد و در این برنامه‌ریزی، دولت‌ها و علما و صاحب‌نظران و روشن‌فکران جهان اسلام همکاری می‌کردند، ثمرات گران‌بهای نصیب امت اسلامی می‌شد که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرات می‌توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنان که شریعت اسلام خواسته است مورد بهره‌برداری قرار گیرد، بعد از زمانی نه‌چندان طولانی، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که درخور آن است خواهد رساند؛ اما باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه الهی با وضعیت مطلوب آن، فاصله زیادی دارد (خامنه‌ای، ۱۳/۳/۱۳۷۱).

فاصله بین آنچه هست و آنچه باید باشد، درحقیقت فاصله بین وضع موجود تمدنی مسلمانان با تمدن نوین اسلامی مد نظر آیت‌الله خامنه‌ای است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۶). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی.

اشپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹). فلسفه سیاست، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بارنارد، فردریک م. (تابستان و پاییز ۱۳۷۳). «نظریه‌های فرهنگ و تمدن در عصر جدید»، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، نامه فرهنگ، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۷۵-۸۵.

بن نبی، مالک (۲۰۰۲م). مشكلة الافکار فی العالم الاسلامی، ترجمه عمر مسقاوی، دمشق، دار الفکر.

بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای دسترسی: در <https://www.farsi.khamenei.ir>

تافلر، الوین و هایدی تافلر (۱۳۷۴). به سوی تمدن جدید: تفکر سیاسی در موج سوم، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران، سیمرغ.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار علامه جعفری.

۲۰۲ پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی / سال دوم / شماره سوم / بهار و تابستان ۱۴۰۱

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). چیستی تمدن، ترجمه سیدمحمدحسین صالحی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.

کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، سروش.

لوبون، گوستاو (۱۳۷۸). تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، مجلس ملی.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹). نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گبو.